

فهرست مطالب

مقدمه بر ترجمه فارسی	۱۳
فرشاد مؤمنی	
سپاسگزاری مترجم	۲۹
زهره عبدالحمیدی	
گروه نویسندگان	۳۱
پیش گفتار	۳۷

مقدمه:

شناسایی خاستگاه‌های سرمایه‌داری غیرلیبرال در آلمان و ژاپن	۴۷
ولفگانگ استریک	
۱. مقایسهٔ انواع سرمایه‌داری	۵۵
۱.۱. «سرمایه‌داری غیرلیبرال» به عنوان جایگزین «سرمایه‌داری لیبرال»	۵۶
۲.۱. دلالت‌های واژهٔ «لیبرال»	۵۸
۳.۱. مدل‌های ملی سرمایه‌داری	۵۹

- ۴.۱. مدل‌های تغییر نهادی ۵۹
- ۵.۱. ابعاد سیستماتیک ۶۰
۲. جنبه‌هایی از تاریخ سرمایه‌داری غیرلیبرال در ژاپن و آلمان ۶۲
- ۱.۲. گفتمان‌های اصلاحات محافظه‌کارانه ۶۲
- ۲.۲. پارتیکولاریسم دولت رفاه ۶۶
- ۳.۲. سرمایه‌بردبار و شهروندی صنعتی ۷۰
- ۴.۲. تأمین مالی بانک‌محور ۷۵
- ۵.۲. همبستگی و بخش‌بندی در مهارت‌افزایی ۸۳
- ۶.۲. شباهت‌ها و تفاوت‌ها: خلاصه مقدماتی ۹۱
۳. گمانه‌زنی‌ها در مورد چشم‌انداز سرمایه‌داری غیرلیبرال در آلمان و ژاپن ۱۰۵

فصل اول:

حک‌شدگی نهادی اقتصاد بازار: «مدل» آلمان و تأثیر آن بر ژاپن ۱۱۳

گرهارد لهماورخ

۱. نهادها و «ائتلاف‌های گفتاری» در سرمایه‌داری رقابتی ۱۱۴
۲. ظهور گفتمان سرمایه‌داری حک‌شده ۱۲۵
- ۱.۲. آلمان: از لیبرالیسم توسعه‌ای تا اصلاحات اجتماعی دولتی ۱۲۵
- ۱.۱.۲. آزادسازی بوروکراتیک و «انقلاب از بالا» ۱۲۶
- ۲.۱.۲. بحران لیبرالیسم بازار و ظهور شرکت‌گرایی ۱۳۳
- ۳.۱.۲. ائتلاف گفتمان اصلاحات اجتماعی با محوریت دولت ۱۳۵
- ۴.۱.۲. گفتمان‌های اصلاحات اجتماعی در خرده‌فرهنگ‌های سازمان‌یافته: کاتولیک‌های سوسیال و سوسیال دموکرات‌های «اصلاح‌طلب» در مسیر فراگیری ۱۴۱
- ۲.۲. اصلاحات اجتماعی دولتی در دوره میجی ژاپن ۱۴۷

۳. «دگرگونی بزرگ» و تدارک نظام سرمایه‌داری برای جنگ ۱۶۳
- ۱.۳. تغییرات نهادی و ائتلاف‌های گفتمانی در آلمان، ۱۹۴۵-۱۹۱۴ ۱۶۳
- ۲.۳. ژاپن و مدل اقتصاد جنگی آلمان: انتقال گفتمان و شبیه‌سازی نهادی در دهه‌های ۱۹۳۰ ۱۶۳
- و ۱۹۴۰ ۱۷۲
- ۱.۳.۳. ائتلاف گفتمان اقتصاد مدیریت شده ۱۷۳
- ۲.۳.۳. شبیه‌سازی نهادهای اقتصاد جنگ آلمان ۱۷۴
۴. بلوغ سرمایه‌داری حک‌شده پس از جنگ ۱۷۷
- ۱.۴. آلمان غربی پس از جنگ و «اقتصاد بازار اجتماعی» ۱۷۸
- ۱.۱.۴. پیوستگی نهادی و تغییر نخبگان ۱۷۸
- ۲.۱.۴. ظهور اقتصاد «ردولیرال» ۱۸۰
- ۳.۱.۴. ائتلاف گفتمان «اقتصاد بازار اجتماعی» ۱۸۶
- ۲.۴. استراتژی‌های اقتصادی و سرمایه‌داری مدیریت‌شده در ژاپن پس از جنگ ۱۹۳
- ۱.۲.۴. پیوستگی نخبگان بوروکراتیک ۱۹۴
- ۲.۲.۴. ائتلاف گفتمانی سرمایه‌داری مدیریت‌شده و ظهور «بنگاه J» ۱۹۷
۵. نتیجه‌گیری ۲۰۱

فصل دوم:

ساخت دولت رفاه و سرمایه‌داری هماهنگ در ژاپن و آلمان ۲۰۵

فیلیپ مانو

۱. هماهنگی اقتصادی و مداخله دولت رفاه ۲۰۹
۲. توسعه‌گرایی و دولت رفاه: ژاپن ۲۱۶
۳. ادغام ملی و دولت رفاه: آلمان ۲۳۳
۴. نتیجه‌گیری ۲۴۶

فصل سوم:

خاستگاه‌های حکمرانی شرکتی غیرلیبرال در آلمان و ژاپن ۲۴۹

گریگوری جکسون

۱. کنترل و مالکیت شرکت: خاستگاه‌های تعهد مالی ۲۵۷

۱.۱. قانون شرکت ۲۶۲

۲.۱. تنظیم‌گری مالی ۲۶۳

۳.۱. تنظیم‌گری بازار ۲۶۵

۴.۱. آلمان ۲۶۶

۱.۴.۱. امپراتوری آلمان: قانون‌گرایی در قانون شرکت‌ها ۲۶۶

۲.۴.۱. جنگ جهانی اول و آلمان دوره وایمار (۱۹۳۳-۱۹۱۴): تمرکز، کارتل‌ها و همکاری

بین شرکتی ۲۷۰

۳.۴.۱. آلمان نازی (۱۹۴۵-۱۹۳۳) ۲۷۴

۴.۴.۱. جمهوری فدرال آلمان: اقتصاد بازار اجتماعی ۲۷۶

۵.۱. ژاپن ۲۸۰

۱.۵.۱. دوره میجی (۱۹۱۲-۱۸۶۸) ۲۸۰

۲.۵.۱. تمرکز زایباتسو طی سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۱۱ ۲۸۳

۳.۵.۱. اقتصاد برنامه‌ریزی شده زمان جنگ ۲۸۵

۴.۵.۱. دوره رشد بالا پس از جنگ ۲۸۷

۲. مدیریت نیروی کار: خاستگاه‌های شهروندی صنعتی ۲۹۱

۱.۲. آلمان ۲۹۸

۱.۱.۲. امپراتوری آلمان: توسعه پدرسالاری کارفرمایی ۲۹۸

۲.۱.۲. جنگ جهانی اول و وایمار آلمان (۱۹۳۳-۱۹۱۴): چالش مدیریت ۳۰۲

۳.۱.۲. آلمان نازی: فاشیسم و سرکوب کارگران ۳۰۵

۴.۱.۲. جمهوری فدرال آلمان: تصمیم‌گیری مشترک و اقتصاد بازار اجتماعی	۳۰۷
۲.۲. ژاپن	۳۰۹
۱.۲.۲. پدرسالاری در دوره میجی	۳۰۹
۲.۲.۲. تغییر اتحادها میان دولت، کسب‌وکارها و کارگران: از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۳۰	۳۱۱
۳.۲.۲. اقتصاد برنامه‌ریزی شده زمان جنگ: ادغام اجباری نیروی کار	۳۱۴
۴.۲.۲. ژاپن پس از جنگ	۳۱۵
۳. تکامل همزمان سرمایه و نیروی کار در حکمرانی شرکتی	۳۲۰
۱.۳. توالی‌های تاریخی و مقاطع بحرانی در توسعه نهادی	۳۲۱
۲.۳. از مکمل‌های نهادی تا ظرفیت‌های سازمانی: «اثر اجتماعی»	۳۲۶
۴. نتیجه‌گیری	۳۳۱

فصل چهارم:

خاستگاه‌های سیستم‌های تأمین مالی بانک‌محور و بازارمحور: آلمان، ژاپن و

ایالات متحده	۳۳۳
--------------------	-----

سیگورت ویتولز

۱. ظهور رژیم‌های تنظیم‌گری مالی لسه‌فری	۳۴۲
۱.۱. رژیم‌های تنظیم‌گری لسه‌فری	۳۴۴
۲.۱. پویایی‌های سیستم بانکی: از تکثیر تا تمرکز	۳۴۷
۳.۱. بانکداری مختلط و تأمین مالی برای کشورهای قوی	۳۴۹
۴.۱. بی‌ثباتی مالی و هزینه‌های اجتماعی	۳۵۱
۵.۱. خلاصه دوره لسه‌فر	۳۵۲
۲. فراتر از لسه‌فر: رژیم‌های تنظیم‌گری مالی لیبرال و غیرلیبرال	۳۵۴
۱.۲. آلمان: مقررات صنفی بانکداری مختلط	۳۵۶

- ۲.۲. ژاپن: دستورالعمل‌های اجرایی و تأمین مالی شبکه‌ای ۳۶۰
- ۳.۲. ایالات متحده: اجرای قرارداد از طریق یک رژیم لیبرال ۳۶۳
- ۴.۲. خلاصه: بازارهای ممتاز و هدف‌گذاری ۳۶۶
۳. مقررات کار: درهم‌تنیدگی‌های خاص با امور مالی؟ ۳۶۷
- ۱.۳. سیستم‌های بازنشستگی فردگرا در مقابل همبستگی ۳۷۰
- ۲.۳. توزیع درآمد ۳۷۳
۴. نتیجه‌گیری: لزوم بررسی مجدد نظریه زمان‌بندی صنعتی شدن ۳۷۶

فصل پنجم:

ظهور رژیم‌های آموزشی غیرلیبرال: مقایسه آلمان و ژاپن ۳۷۹

کاتلین تلن و ایکو کومه

۱. تکامل سیستم مهارت‌افزایی در آلمان ۳۸۸
- ۱.۱. استراتژی‌های بخش فلزکاری: اهمیت صدور گواهینامه ۳۹۳
- ۲.۱. ائتلاف‌های سیاسی و تحول سیستم ۳۹۸
۲. تحول مهارت‌افزایی در ژاپن ۴۰۶
- ۱.۲. استراتژی‌های صنعت فلزکاری: مسئله تحرک نیروی کار ۴۱۱
- ۲.۲. تحول سیستم مدیریت ژاپن ۴۱۷
۳. نتیجه‌گیری ۴۲۲

منابع ۴۲۷

نمایه ۴۵۵

فهرست جداول

جدول (۱) مقایسه الگوهای حکمرانی شرکتی	۲۵۱
جدول (۲) مالکیت شرکت‌های سهامی، ۱۹۹۵ (درصد)	۲۵۳
جدول (۳) ثبات اشتغال	۲۵۴
جدول (۴) ساختار سیستم‌های تأمین مالی پس از جنگ، اواسط دهه ۱۹۹۰ (درصد)	۳۳۵
جدول (۵) جنبه‌های تأمین مالی آلمان، ژاپن و ایالات متحده، سال‌های ۱۹۱۲ و ۱۹۲۵	۳۵۳
جدول (۶) صندوق بازنشستگی و دارایی‌های شرکت بیمه عمر در سال ۱۹۷۰ (درصد از تولید ناخالص داخلی)	۳۷۰
جدول (۷) مزایای بازنشستگی دولتی و خصوصی، ۱۹۸۰ (درصد از تولید ناخالص داخلی)	۳۷۱
جدول (۸) توزیع دارایی‌های مالی خانوارها در ایالات متحده بر اساس گروه‌های درآمدی، سال ۱۹۸۳ (درصد)	۳۷۵

فهرست نمودارها

نمودار (۱) همبستگی و بخش‌بندی؛ خاستگاه‌ها و ترکیب‌های ملی	۹۳
نمودار (۲) خاستگاه‌های تاریخی حکمرانی شرکتی غیرلیبرال در آلمان و ژاپن	۲۵۵
نمودار (۳) طبقه‌بندی سیستم‌های نظارتی مالی پس از جنگ: رویکرد غالب به ثبات	۳۶۷

مقدمهٔ دکتر فرشاد مؤمنی بر ترجمهٔ فارسی

کتابی که در معرض دید و قضاوت جامعهٔ اندیشه‌ورزان و توسعه‌خواهان این سرزمین گرامی قرار گرفته است از جنبه‌های پرشماری می‌تواند نقطهٔ عطفی در اعتلای اندیشهٔ توسعه و مطالعات هدفمند و با کیفیت معطوف به آن در نظر گرفته شود. یک وجه مسئله این است که تقریباً همهٔ متفکران بزرگی که در زمینه توسعه کار کرده‌اند، یکی از رهنمودهای ثابت و دائمی خود را بر روی تلقی از توسعه به مثابهٔ یک امر به غایت پیچیده و به غایت استثنائی قرار داده‌اند و این کتاب با وضوح و با جزئیات هر دوی این جنبه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد، و به این آگاهی حیاتی تأکید می‌ورزد که اگر ملتی بخواهد بر معضل‌های تاریخی فقر گسترده و عقب‌ماندگی فزاینده غلبه یابد، راه پر پیچ و خمی در پیش دارد که در درجه اول نیازمند تلاش‌های بسیار عظیم اندیشه‌ای است و آنچه که به عنوان ویژگی محوری در این کتاب باید مورد توجه قرار گیرد همین مسئله است. در عین حال وقتی که شما سطر سطر پیشگفتار و مقدمهٔ به نسبت طولانی و با کیفیت این کتاب را مطالعه می‌کنید، ملاحظه می‌نمایید که بسترهای نهادی و انگیزه‌یادگیری کار جمعی ابتدا باید در میان اهل نظر و جامعهٔ اندیشه‌ورز و توسعه‌خواه فراهم شود. به طور

ویژه در ارتباط با موضوع این کتاب در پیشگفتار و مقدمه، اهمیت کار جمعی حتی فراتر از سطح ملی، به صورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های اندیشه‌ورزی بین‌رشته‌ای در مقیاس جهان را به وضوح می‌توان هم از نظر ابعاد اهمیت و هم دستاوردهایش ملاحظه کرد و امیدواریم که یکی از پیامدهای جانبی مطالعه این اثر ارزشمند با همه دستاوردهایی که اصل کتاب به همراه دارد، این باشد که برانگیزاننده شکل‌گیری تمرین‌هایی در سطوح پایین‌تر بین دانشگاه‌های کشور، پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های کشور و همه آن‌هایی که در حیطه اندیشه‌ورزی برای توسعه کار می‌کنند باشد، با این امید که این فرآیند در گستره و عمق جریان اعتلا بخش خود را استمرار دهد و خصلت فراکشوری یابد.

همچنین با مطالعه پیشگفتار و مقدمه این کتاب با پشتیبانی‌های نهادی چشمگیر از چنین مطالعاتی آشنا می‌شویم و باید امیدوار بود که مراکز سیاست‌گذاری کشور در حیطه علم و فناوری به این مسئله هم وقوفی سطح بالاتر پیدا کنند، از طریق مطالعه آنچه که در این زمینه در این کتاب مشاهده می‌شود و اینکه چگونه اندیشه‌ورزان صبورانه، غیرشتاب‌زده و با بهره‌گیری فراگیر از حداکثر ظرفیت‌های دانایی در سطوح ملی و بین‌المللی، خود را درگیر مسائل معرفتی حیاتی و سرنوشت‌ساز در زمینه توسعه می‌کنند.

یک وجه مسئله این است که با مشاهده این اراده سازمان‌یافته و بهره‌مند از پشتیبانی‌های نهادی و مالی چشمگیر، به خود نهیب می‌زنیم که جایی که عقاب پر بریزد و نسبت به انجام چنین مطالعاتی احساس نیاز شود، حساب و کتاب ما به عنوان سرزمینی که بسیار فراتر از آنچه که تصور کنیم، نیازمند تمهید پشتیبانی‌های لازم و این گونه تن در دادن به لوازم ارتقای معرفتی هستیم، بهتر روشن خواهد شد و از این نظر کتاب حاضر آموزندگی‌هایی دارد که باید از آن‌ها نیز حداکثر بهره‌مندی را به عمل

آورد و به ویژه به اعتبار این که در این سرزمین گرمی هر وقت که با بحرانی روبه‌رو می‌شویم به جای بسیج ظرفیت‌های دانایی، بلافاصله به شکلی به غایت کوتاه‌نگرانه اقدام به حذف یا کاهش پشتیبانی‌های نهادی از امر دانایی و پژوهش‌های با کیفیت می‌شود، توجه به عبارت‌هایی مانند حمایت‌های سخاوتمندانه چندین بنیاد آلمانی و ژاپنی و آمریکایی از این کوشش اندیشه‌ای می‌تواند الهام‌بخش باشد و شاید یکی از وجوه دیگر الهام‌بخشی مطالعه این کتاب این است که ما هم نیاز داریم به تدریج بیاموزیم که کانون اصلی نجات‌دهنده اهل خیر این است که امور خیر را صرفاً در حیطه برطرف کردن نیازهای مادی و معیشتی نبینند و بر فراز آن تمرکزی بایسته روی نیازهای اندیشه‌ای و برای دستیابی به نرم‌افزارهای آشکارکننده عناصر اصلی بازتولیدکننده فقر و نکبت و نیازمندی پردازیم تا به شکلی اعتلابخش و پیش‌دستانه و پیشگیرانه از برخورد انفعالی تخصیص‌های خیریه‌ای برای کاهش فقر، به یک برخورد فعال، ابتکاری و دانایی‌محور عبور کنیم و بی‌گمان این یکی از نیازهای بسیار حیاتی جامعه کنونی ماست که اهل خیر از جنبه معرفتی به این امر خطیر آگاه شوند و شاهد یک تحول بنیادی در نگرش به امر خیر در کشورمان باشیم.

نکته بسیار مهمی که در مقدمه این کتاب ارزشمند بسیار جلوه‌گر است این است که از هر کارنامه موفق که در هر کشوری مشاهده می‌شود یک درس بزرگ حاصل می‌شود و در این کتاب این جنبه را هم بسیار برجسته و ممتاز می‌بینیم، قبل از آن که وارد واکاوی متن کتاب شویم و آن هم این است که ماجرای دستیابی به کارنامه‌های موفق بیش از هر چیز در گروی یک مبارزه تمام‌عیار معرفتی و اقتصاد سیاسی است و کارنامه‌های موفق همواره مدیون تلاش‌های سترگ اندیشه‌ورزانی است که در یک رقابت شرافتمندانه اندیشه‌ای با استدلال‌ها و شواهد و منطق‌های برتر به رقبای فکری غیرتوسعه‌خواه خود غلبه می‌کنند و از آنجایی که در این سرزمین گرمی سرخوردگی

و یأس و زود کنار کشیدن برای اندیشه‌ورزان تبدیل به یک عادت تلخ تاریخی شده، آموختن در این زمینه که برای هیچ جریان توسعه‌خواهی در هیچ جای دنیا فرش قرمز پهن نشده و تنها مجاهدت‌های اندیشه‌ای و حل و فصل رقابت در آن ساحت به صورت شرافتمندانه و اعتلابخش است که راه نجات را باز می‌کند، می‌تواند برای ما درس بسیار بزرگی باشد.

بسیاری از کسان در تجربه‌های بومی ما هم این ساده‌انگاری و سهل‌اندیشی را دارند و تصورشان این است که اگر در تجربه سیاست‌های اقتصادی دوران جنگ تحمیلی شاهد موفقیت‌های شگرف و دستاوردهای خارق‌العاده شدیم گمان می‌کنند که همگان طوعاً و کرهاً با آن جهت‌گیری‌ها سر سازگاری و همراهی داشته‌اند، در حالی که کسانی که از نزدیک آن دوران را لمس کرده‌اند، می‌دانند که مجاهدت‌های بزرگی که از سوی چهره‌های خدوم، عالم و فداکاری هم‌چون استاد فقید میرمصطفی عالی‌نسب انجام می‌گرفت، با چه خون دل خوردن‌هایی بستر را برای تن در دادن نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور به جهت‌گیری‌های اصولی همراه کرده و بی‌گاه و دائماً فشارهای ضدتوسعه‌ای زیاده‌خواهان به معنای دقیق کلمه کمر توسعه‌خواهان را خرد می‌کرد، اما پایمردی و ایمان به توسعه عادلانه موجب شد که نه این مردانِ مرد از ملامت‌کنندگان هراسی به خود راه دهند و نه از اصرار و پافشاری در مسیر درست سرخورده و مأیوس شوند و با ژست‌های به ظاهر اعتراضی و همراه با کنار کشیدن‌ها عملاً راه را بر روی عینیت یافتن خواسته‌های زیاده‌خواهان باز کنند.

از این زاویه درس بزرگی که همه ما نیازمند آن هستیم که به یکدیگر تذکر دهیم این است که توسعه‌خواهان گرامی باید بدانند که بزرگی افراد توسعه‌خواه در این سرزمین مانند همه جای دیگر دنیا به بزرگی موانع بر سر راه آن‌ها سنجیده می‌شود

و وقتی که آن‌ها با پایمردی در برابر فشارهای خردکننده زیاده‌خواهان ایستادگی کنند می‌توانند هم راه را بر اتخاذ جهت‌گیری‌های نادرست ببندند و هم امکان تداوم سیاست‌های اعتلابخش را از جنبه معرفتی و اقتصاد سیاسی فراهم کنند.

وقتی که از مقدمه عبور می‌کنیم شاید در کلی‌ترین حالت باید بگوییم که بزرگ‌ترین امتیاز این کتاب دامن زدن به دغدغه‌های روش‌شناختی است، یعنی امر بااهمیتی که در نظام آموزش و پژوهش و قاعده‌گذاری‌های اساسی در کشور ما با کمال تأسف به طرز غیرمتعارفی در حاشیه قرار دارد. در این زمینه درس‌های بسیار بزرگی از این کتاب می‌توان آموخت که امیدوارم اهل نظر به سهم خود حول هر یک از این محورهای آموزنده کارهای تألیفی و ترجمه‌ای تکمیل‌کننده را در دستور کار خود قرار دهند و از این طریق جنبه‌های معرفتی مسیر توسعه‌خواهی در این کشور را تقویت کنند.

از این زاویه می‌توان گفت که امتیازات محوری این کتاب از جنبه روش‌شناختی در درجه اول به نشان دادن عملی خصلت راهگشای میان‌رشته‌ای این کتاب مربوط می‌شود و به طرزی هنرمندانه و هوشمندانه تلاش کرده‌اند که با تیم‌های اندیشه‌ورزی از تخصص‌های گوناگونی مانند اقتصاد، تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی و توسعه بهره‌مند شوند و یک محصول به غایت آموزنده و اعتلابخش را فراهم کنند. باید اندیشه‌ورزان گرامی ما بیش از پیش خود را موظف بدانند که درباره راهگشایی‌ها و نجات‌بخشی‌های رویکرد میان‌رشته‌ای هم برای فهم ریشه‌های مسائل موجود در کشورمان و هم در مسیر یافتن راه‌حل‌ها، آگاهی‌های بیشتری را عرضه کنند و به ویژه از این زاویه نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور را مدد برسانند.

نکته دیگری که از جنبه روش‌شناختی در این کتاب در ادامه امتیاز نگاه بین رشته‌ای قابل مشاهده است این است که نشان می‌دهد اگر در نظام‌های آموزشی و

پژوهشی رسمی کشور مواجهه‌ای اندیشه‌ورزانه و عالمانه با برخورد انفعالی و تقلیدی با دستاوردهای اندیشه‌ای دیگران و جایگزینی شناخت انتقادی وجود نداشته باشد، خلاقیت موضوعیت پیدا نمی‌کند. در این کتاب از جنبه روش‌شناختی به روشنی نشان داده‌اند که خلاقیت در مسیر شناخت اقتضائات سطح توسعه هر جامعه و ارائه راهکارهای اعتلابخش نیازمند خودشناسی، دیگرشناسی و آینده‌شناسی است. به گمان من در این کتاب مجموعه نویسندگان و به ویژه ویراستاران صاحب صلاحیت آن، روی این جنبه‌ها، نکته‌های بسیار آموزنده و خارق‌العاده‌ای را مطرح کرده‌اند که شایسته است در جای خود و در جلسات کتابخوانی و همین‌طور در جلسات شرح و نقد این کتاب مورد توجه و دقت جدی‌تری قرار بگیرد.

اینجانب هنگامی که این کتاب را مطالعه می‌کردم، از همین زاویه روح جان نویل کینز و کتاب درخشان او در ربع پایانی قرن نوزدهم درباره اقتصاد سیاسی را مشاهده کردم و از جنبه روش‌شناختی، پیام‌های کلیدی جان نویل کینز را به صورت عملیاتی می‌شود در این کتاب دید و تلاش در ترویج آن نمود. همگان در ساحت اندیشه اقتصادی می‌دانند که جان نویل کینز جزو متفکران پیشگامی بود که هشدار سترگ و به موقع در برابر پوزیتیویست‌ها مطرح کرد و آن هم عبارت از این بود که معرفت علمی در هر جامعه از سه رکن برخوردار است، که جزء اثباتی (Positive) یعنی آنچه به نام علم در دانشگاه‌ها آموزش داده می‌شود، فقط یک رکن از سه رکن را تشکیل می‌دهد و اگر این جزء با اجزاء هنر (Art) و جزء هنجاری (Normative) تکمیل نشود به جای راهگشایی می‌تواند بحران‌آفرینی کند.

در واقع اجزاء هنر علم در هر یک از ساحت‌های معرفت بشری با جزء هنجاری است که به جزء پازیتیو روح می‌تاباند و می‌تواند نیروی محرکه نجات و اعتلا بخشی باشد. در

مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد به سهم خود به ویژه در مجله «اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه»، مقاله‌های پرشماری را در اختیار اندیشه‌ورزان و توسعه‌خواهان گرامی این سرزمین قرار داده‌ایم که روی این مسئله تمرکز کنند و نشان بدهند که در غیاب ارکان هنجاری و هنر، علم اقتصاد و سایر علوم انسانی و اجتماعی با تمرکز صرف و افراطی روی جزء پازیتو نمی‌توانند به معنای دقیق کلمه فهم علمی ایجاد کنند و به همین خاطر هم هست که نمی‌توانند به نام علم گره‌گشایی بکنند، اگر نگوئیم مانند آنچه که در دوره پس از جنگ و به نام بازارگرایی در ایران مشاهده کرده‌ایم، انبوهی از بحران‌ها به واسطه بی‌اعتنایی به ارکان کلیدی علم یعنی جزءهای نرم‌اتیو و هنر پدیدار خواهد شد و ما تا همین امروز هم در این زمینه با دست به گریبانی‌های بسیار فاجعه‌ساز روبه‌رو هستیم و باید امیدوار بود که اهل خرد و دانایی در این زمینه هم کمک کار باشند و راهی به سوی اعتلای اندیشه‌ای و تکمیل کلیشه‌های پازیتو که خصلت جزئی‌نگر، انتزاعی و ایستا دارند باز کنند. در غیر این صورت آتش همان است و کاسه همان که طی بالغ بر سه دهه گذشته در اقتصاد سیاسی ایران و چشم‌انداز توسعه و توسعه‌نیافتگی آن مشاهده کرده‌ایم.

نکته بسیار مهم دیگری که در این کتاب به طرز شایسته‌ای از سوی نویسندگان گرامی مورد توجه قرار گرفته و قوف روش‌شناختی به اهمیت پژوهش‌های موردکاوانه است. با کمال تأسف در سرزمین گرامی ما هم مانند بسیاری از جاهای دیگر شاهد آن هستیم که در اغلب اوقات کلیشه‌هایی حاکم می‌شود و این کلیشه‌ها که عمدتاً حاوی نگرش‌های سطحی و ساده‌انگارانه و به بیان دقیق‌تر تک‌ساحتی، تک‌سببی و به غایت انتزاعی و ایستا به واقعیت‌های پیچیده اجتماعی است، منشأ بحران‌ها و کاستی‌ها و ناهنجاری‌های پرشمار می‌شود. در سراسر این کتاب مشاهده می‌شود که اندیشه‌ورزان تدوین‌کننده این کتاب به این مسئله حیاتی نیز وقوف روش‌شناختی

بایسته‌ای داشته‌اند که هر قدر که سیستم‌های اقتصادی-اجتماعی به سمت پیچیدگی بیشتر حرکت می‌کنند، از دامنه اعتبار تحلیل‌های مبتنی بر قیاس کاسته می‌شود و نیازمند موردکاوی‌های با رویکرد بین رشته‌ای و با عمق بایسته هستیم. این هم یک درس بسیار بزرگی است که به ویژه در جریان سیاست‌گذاری عمومی در ایران درباره آن به شدت با خلأ روبه‌رو هستیم و اصحاب اندیشه و دانایی باید با حساسیت‌های بیشتری نسبت به این امر خطیر، نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور را از قانع شدن به توضیح‌های سراسر ساده و اغواگر و تجویزهای مبتنی بر آن بر حذر بدارند.

از جنبه روش‌شناختی مسئله حیاتی دیگری که در این کتاب به شکل مناسبی قابل مشاهده است، برجسته کردن منزلت دانش چگونگی (Know-How) در میان گونه‌ها یا مؤلفه‌های دیگر دانش یعنی دانش چیستی، دانش چرایی و دانش کیستی است. کسانی که دستی در روش‌شناسی مطالعات توسعه دارند، می‌دانند که متفکران توسعه برای دانش چگونگی منزلتی بسیار والا و معادل چندین برابر انواع دیگر دانش‌های ذکر شده قائل هستند و بر این باورند که امتیاز بزرگ اندیشه توسعه، تأکید خارق‌العاده‌ای است که بر دانش چگونگی دارد و از طریق این دانش است که میان دانش توسعه در کلیت خود و شرایط محیطی پیوند برقرار می‌کند و به این ترتیب است که اندیشه توسعه به همان اندازه که با روش‌شناسی و فلسفه علوم انسانی و اجتماعی گره می‌خورد با تاریخ، اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی اقتصادی، جامعه‌شناسی سیاسی، علوم سیاسی و آینده‌شناسی هم گره می‌خورد و از این طریق است که پیوندی وثیق میان نظریه و محیط برقرار می‌شود و این مهم تا امروز در بالاترین سطح در رویکرد نظری نهادگرایی جلوه‌گر شده و شاید یکی از امتیازات بزرگ دیگر این کتاب از جنبه روش‌شناختی پابندی روش‌مند و عالمانه آن‌ها به اسلوب اندیشه‌ورزی، تبیین و تجویزهای نهادگرایانه است و به ویژه نحوه ورود و خروجی که این‌ها در مراجعه به هر

کشور و تجربه توسعه آن‌ها داشته‌اند که در این اثر شامل مطالعه تجربه توسعه آلمان و ژاپن است، می‌تواند کمک کار و آموزش‌دهنده اندیشه‌ورزان گرامی باشد به اینکه وقتی می‌خواهیم به خودشناسی در ایران از دریچه اندیشه توسعه برسیم باید چه دقت‌ها و ریزه‌کاری‌ها و ژرف‌اندیشی‌های میان‌رشته‌ای را در دستور کار قرار دهیم.

امتیاز دیگر این کتاب در کادر برجسته کردن اندیشه توسعه و منزلت دانش چگونگی، تمرکز خارق‌العاده و حیرت‌انگیزی است که روی تولید فناوریانه به مثابه قلب و روح هر کوشش معطوف به توسعه‌خواهی کرده‌اند. در یک ساخت توسعه‌نیافته رانتی حتی اگر نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی اراده‌ای جدی برای توسعه‌خواهی داشته باشد رانت‌جویان و پشتیبانان آن‌ها در ساحت اندیشه و عمل و تخصیص منابع، آدرس‌های غلط و غلط‌انداز و فریبکارانه پرشماری را در معرض قضاوت تصمیم‌گیران اساسی قرار می‌دهند. شاید یکی از امتیازات بزرگ این کتاب این است که نشان می‌دهد اگر کشوری می‌خواهد از فقر و عقب‌ماندگی نجات پیدا کند باید شاقولی به نام «تولید فناوریانه» را در قلب توجه‌های خود قرار دهد و اگر این چنین نباشد امکان نجات، وجود نخواهد داشت.

به گمان اینجانب یکی از درخشان‌ترین عرصه‌های موفقیت مجموعه دست‌اندرکاران تدوین این کتاب این است که این مهم را به خوبی نشان داده‌اند و بارها در سراسر این کتاب شواهدی را ذکر کرده‌اند که نشان می‌دهد نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی در آلمان و ژاپن مهم‌ترین وجه بلوغ اندیشه‌ای که ظاهر کرده بودند این بوده است که از طریق امور غیر مربوط به تولید فناوریانه راه نجاتی برای کشور نیست و این یک قاعده ثابت فراگیر در همه تجربه‌های موفق توسعه به شمار می‌آید. بارها و بارها به ویژه این وقوف روش‌شناختی و بصیرت کارشناسی را در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص

منابع ژاپن نشان داده‌اند که رهبران این کشور و قاعده‌گذاران این دو کشور به خوبی فهمیده بودند که به غیر از تولید فناوریانه نمی‌توان از جهل و فقر و عقب‌ماندگی نجات پیدا کرد و این مسئله را به شکلی عالی به نمایش گذاشته‌اند و امید می‌رود که اگر به شکل اصولی این یافته‌ها مورد توجه علاقه‌مندان به مطالعات توسعه در این سرزمین گرامی قرار بگیرد انشالله برای کشور ما هم راه نجاتی باز شود.

مسئله بسیار مهم دیگری که در این کتاب به طرز شایسته و ارزشمندی مورد توجه قرار گرفته، جایگاه رفیع کیفیت دولت هم در ساحت اندیشه و هم در ساحت اجرا و نقش‌آفرینی بی‌بدیل نهاد دولت در سرنوشت توسعه است. من در اینجا از فرصت استفاده می‌کنم و به همه توسعه‌خواهان کشور چه در سطح حکومت و چه در سطح نظام‌های اندیشه‌ورزی و اجرایی توصیه می‌کنم که از این زاویه به نکته‌سنجی‌های خارق‌العاده خانم ماریانا مازوکاتو در کتاب ارجمند «دولت کارآفرین» نیز توجه ویژه داشته باشند، آن جایی که ایشان به کسانی که به اندیشه‌ورزی تقلیدی و کلیشه‌ای و صرفاً ترجمه‌ای دل خوش کرده‌اند به درستی توصیه می‌کند که وقتی می‌خواهید به طرز عمل دولت در کشورهای موفق نگاه کنید بیش از آن که مسحور آنچه که دولت‌ها می‌گویند شوید، چه خوب است که تمرکز کنید روی این که این دولت‌ها در عمل چه می‌کنند.

به گمان اینجانب یکی از امتیازات مهم دیگر این کتاب این است که در اصلاح طرز نگاه نظام‌های اندیشه‌ورزی و قاعده‌گذاری و اجرایی کشورمان به دولت می‌تواند کمک‌های ارزشمندی داشته باشد، اینکه چگونه این دولت‌ها به این فهم بزرگ نائل شدند که فقط و فقط تولید فناوریانه و مشارکت‌محور و مبتنی بر استفاده حداکثر از ظرفیت‌های منابع انسانی یک کشور است که راه نجات را باز می‌کند، از جنبه معرفتی

یک افق‌گشایی بسیار بزرگ محسوب می‌شود و در سطح عمل هم به شکلی آشکار و بدیع در این کتاب نشان داده شده که دولت توسعه‌خواه اگر بخواهد شایسته چنین عنوانی باشد، باید به گونه‌ای ظاهر شود که خود به مثابه یک الگو برای سازمان‌های سیاسی و اقتصادی دیگر درآید. دولت غیرتوسعه‌خواه که نشانه مهم آن ضعف در بنیه اندیشه‌ای و ضعف در قابلیت‌های لازم برای پیشبرد اهداف خود است نمی‌تواند گشاینده راه نجات باشد، نمی‌تواند در برابر زیاده‌خواهی‌های غیرمولدها ایستادگی کند، نمی‌تواند جلوگیری‌کننده فرصت‌طلبی‌های فرصت‌طلبان باشد و مسئله حیاتی این است که در تجربه به شکل عمیق واکاوی شده موفقیت‌های توسعه‌خواهانه در آلمان و ژاپن، نویسندگان این کتاب نشان داده‌اند که مهم‌ترین رمز موفقیت هر دوی این کشورها این است که از حکومت‌هایی با قابلیت و با کیفیت برخوردار بودند. آن‌ها ابتدا خود را در برابر فساد واکسینه کردند تا آن گاه توصیه‌های اخلاقی، دورنگرانه و اولویت‌بخش به منافع جمعی در برابر منافع افراد بتوانند گوش‌هایی برای شنیدن پیدا کنند و توصیه‌هایی اثربخش ارائه کنند. به عبارت دیگر اگر حکومت شکل و شمایل یک «عالم‌عامل» را نداشته باشد، نصیحت‌های او به هیچ‌وجه شنیده نمی‌شود، جدی گرفته نمی‌شود و منشأ خیر و اثر هم نخواهد بود. کتاب از این زاویه بلوغ‌های اندیشه‌ای و عملی خارق‌العاده‌ای را در نهاد دولت یا حکومت در هر دو تجربه موفق آلمان و ژاپن ذکر کرده که به غایت آموزنده است.

یکی از ویژگی‌های دیگر هر دوی این کشورها این است که در ساحت‌های نظر و عمل دورنگری را به کوتاه‌نگری ترجیح داده‌اند و با محور قرار دادن همکاری بلندمدت با شرکای اجتماعی یعنی بخش‌های مولد، عامه مردم و نظام‌های دانایی توانسته‌اند راه نجات را به عالی‌ترین شکل طی کنند. کلید بحث در این جا این است که این‌ها فقط موعظه این امور را نمی‌کردند، بلکه به همه لوازم آن هم در عمل تن در داده‌اند، این

که در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع و اجرا «شفافیت» را اصل بشمارند، «مشارکت» را اصل بشمارند و به «نظارت‌های تخصصی مدنی» تن در دهند بسیار قابل توجه است. این که این‌ها توانسته‌اند برجسته‌ترین عالمان را برای یافتن ساز و کارهای بومی و به غایت اندیشیده برای برطرف کردن موانع توسعه به کار گیرند، به واقع آموختنی است. این که شما در تجربه موفق آلمان و ژاپن به وضوح نقش بی‌بدیل هوشمندی‌های خارق‌العاده حکومت و همراهی آن‌ها با سازمان‌یابی نیروی کار مولد را شاهد هستید، شاید یکی از حیاتی‌ترین و البته در سرزمین گرامی ما از مغفول‌ترین حیطه‌هاست و در این جا با جزئیات بهره‌هایی که این دو حکومت از اجازه سازمان‌یابی دادن به نیروهای مولد برده‌اند را با جزئیات شرح داده که بسیار آموختنی و برای کشور ما سرنوشت‌ساز است و باید امیدوار بود که از طریق دامن زدن به این بحث‌ها گوش‌هایی که باید این چیزها را بشنوند را در معرض شنیدن قرار دهیم و چشم‌هایی که باید ببینند را هم در معرض دیدن قرار دهیم.

در دوران حوادث که برای این دو کشور هم طی نزدیک به دو قرن گذشته بسیار پر شمار بوده، نویسندگان این کتاب به روشنی نشان داده‌اند که نیروی کار سازمان‌یافته به مثابه یک حلقه واسطه چگونه از تصادم‌های شکنندگی‌آور و خطاهای فاجعه‌ساز جلوگیری کرده و باعث ارتقای حیثیت و مشروعیت حکومت‌ها شده است. ژرف‌اندیشی‌های قابل اعتنایی که دولت به مثابه یک نهاد محوری در جریان توسعه در زمینه از کار انداختن مکانیزم‌های بازارگرایانه برای سرمایه و نیروی کار با رویکرد دورنگری در دستور کار قرار داده‌اند و از طریق آن راه را برای فرصت‌طلبی و مفت‌خوارگی بسته‌اند و تمام استعدادهای انسانی و مادی را تا سر حد مقدور به سمت خلق کارایی و بهره‌وری پویا کانالیزه کردند، یک عبرت خارق‌العاده است، آن چیزی که به نظر می‌رسد در جامعه گرامی ما به شدت نیازمند دانستن‌های هرچه بیشتر درباره آن هستیم. به گمان من

نزدیک به یک قرن زودتر از آن که کارل پولانی در اثر درخشان خود با عنوان دگرگونی بزرگ مطرح کند که اگر سازوکارهای بازار در ساخت‌های پول و طبیعت و نیروی کار مبنای قاعده‌گذاری بشود فاجعه‌سازی می‌کند، حکومت‌گران این دو کشور در عمل متوجه این مسئله شده بودند و بخش اعظم دستاورهای درخشان آن‌ها و قابلیت‌های بی‌بدیل و منحصر به فردی که پیدا کرده‌اند را از این دریچه می‌شود توضیح داد.

بنابراین اگر بخواهیم در نهایت اختصار درباره نقش بی‌بدیل حکومت در این زمینه یک جمع‌بندی بکنیم، تنظیم‌گری‌های سطح توسعه هر دو دولت هم آلمان و هم ژاپن را می‌شود حول هفت محور صورت‌بندی کرد که باید امیدوار بود که در جلساتی که برای شرح و بسط بیشتر این کتاب برگزار می‌شود، علاقه‌مندان گرامی و توسعه‌خواهان ارجمند روی آن‌ها تأمل ویژه‌ای داشته باشند. تنظیم‌گری‌های سطح توسعه دولت آلمان و ژاپن بسیار فراتر از انتظار کلاسیک از تنظیم‌گری یعنی مهار درماندگی‌های بازار است، کسانی که اهل نظر هستند می‌دانند که پدیده تنظیم‌گری که برای اولین بار در اقتصاد پیشرفته صنعتی آمریکا در قرن نوزدهم موضوعیت پیدا کرد، ابتدا دغدغه‌اش مهار درماندگی‌های بازار بود چه در ساخت‌هایی مثل ظهور انحصارها یا پدیده اثرات جانبی و صرفه‌های مقیاس و تقسیم‌ناپذیری‌ها و از این قبیل. اما برای کشورهایی که اصطلاحاً Late Comer محسوب می‌شوند و با تأخیر نسبت به پیشگامان می‌خواهند مسیر توسعه را طی کنند انتظار تنظیم‌گری خیلی فراتر از مهار درماندگی‌های بازار می‌شود، آن‌ها باید در کنار عادلانه کردن رقابت به بسترسازی‌های اعتلای بخش و ترغیب بهره‌گیری از صرفه مقیاس به گونه‌ای که از محدودیت‌ها و نارسائی‌های معطوف به این مسئله هم جلوگیری کند و توازن‌بخشی به قدرت در میان ذی‌نفعان امر اقتصادی و ترغیب ترکیب خردمندانه مشارکت و همکاری هم اشاره‌ای کرد که انشالله در جای خود علاقه‌مندان گرامی می‌توانند مشروح این اقدامات تنظیم‌گرانه

توسعه‌خواهانه را در این اثر ارزشمند مورد توجه قرار دهند.

در پایان این مقدمه باید سپاس خود را تقدیم چند انسان ارجمند توسعه‌خواه و به ویژه کسانی که مستقیماً در شکل‌گیری این اثر نقش داشته‌اند بکنم. سپاس نخست هدیه می‌شود به استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد نقی‌زاده که این کتاب را معرفی و پیشنهاد ترجمه آن را مطرح ساختند، کسانی که محمد نقی‌زاده را می‌شناسند، می‌دانند که طی سه دهه گذشته یکی از پرکارترین اندیشه‌ورزان توسعه‌خواه بوده‌اند و از ذخیره دانایی ارجمند خود در مقام استاد بازنشسته دانشگاه‌های ممتاز ژاپن حداکثر بهره‌گیری را برای انتقال تجربه رمزگشایانه موفقیت‌های ژاپن در نیل به توسعه کرده‌اند. ایشان در طی سی ساله گذشته نزدیک به سی اثر درخشان در این زمینه که وجوه مختلف تجربه موفق توسعه‌خواهی در ژاپن را به نمایش می‌گذاشت را شخصاً تألیف کرده‌اند و به همین خاطر حقوق بزرگی به گردن جامعه توسعه‌خواه و اندیشه‌ورز ایرانی دارند. امید این که ما قدردان وجود گرمی ایشان باشیم و با ترغیب توسعه‌خواهان به مطالعه آثار ارزشمند ایشان کمک کنیم که اندیشه توسعه‌خواهی در ایران اعتلای کیفیت پیدا کند. گام نخست در شکل‌گیری این اثر، مرهون محمد نقی‌زاده است به خاطر معرفی این کتاب و توصیه مؤکد ایشان به سودمندی ترجمه این اثر، بنابراین درود و سپاس خود را نثار این وجود گرمی می‌کنیم و از خداوند متعال دوام سلامت و مزید توفیقات ایشان را طلب می‌کنیم.

امتیاز دوم در موضع سپاسگزاری به یار دیرین و دلسوز ارجمند و فرهیخته من جناب مهندس سیدمحمد بحرینیان تعلق می‌گیرد، آقای مهندس بحرینیان را کمتر کسی از میان توسعه‌خواهان ایران است که نشناسد و از تلاش‌های دلسوزانه و اعتلابخش ایشان آگاهی نداشته باشد، به ویژه کارهای روشنگرانه و بسترسازانه‌ی بدیل ایشان در زمینه تمهید داده‌های ارزشمند برای کوشش‌های عمیق توسعه‌خواهانه که در دفتر پژوهش‌های

اقتصاد و توسعه اتاق مشهد متمرکز کردند به واقع ستودنی است. برای شکل‌گیری این اثر سیدمحمد بحرینیان هم فعالانه پیگیر پیدا کردن یک مترجم شایسته بودند و هم در تأمین بخشی از هزینه‌های مالی این کار سخاوتمندانه و ایثارگرانه قبول مسئولیت کردند و از این زاویه هم باید سپاسگزار این کوشش‌های توسعه‌خواهانه و شرافتمندانه و مشوق ایشان باشیم.

سپاس سوم به مدیر گرامی انتشارات نهادگرا برمی‌گردد، جناب آقای محسن ایزدخواه که انصافاً از زمان شکل‌گیری این انتشارات تا امروز با محور قرار دادن هم‌وغم‌های توسعه‌خواهانه و پرداختن همه انواع هزینه‌های لازم برای اینکه آثار درخشان و ممتاز و اعتلابخش اندیشه توسعه در این سرزمین فارغ از انگیزه‌های سودجویانه و با کارایی هزینه‌ای قابل تحمل‌کننده خطاهای سیاست‌گذاران در زمینه جهش‌های قیمت کتاب، ایشان را به یک مدیر توسعه‌خواه و ارجمند در ساحت نشر این سرزمین تبدیل کرده است که به سهم خود از ایشان هم سپاسگزاری می‌کنم و همین‌طور از نشر نهادگرا که همواره در این زمینه با رغبت و دلسوزی و تلاش بی‌امان و به کارگیری همه ظرفیت‌های انسانی و مادی نشر نهادگرا با آرمان توسعه‌خواهی در این سرزمین همراهی کرده‌اند.

بالآخره سپاس پایانی به مترجم ارجمند این کتاب سرکار خانم زهرا عبدالمحمدی تعلق می‌گیرد. ایشان دانش‌آموخته دکتری اقتصاد سیاسی در دانشگاه علامه طباطبائی هستند و جامعه توسعه‌خواه ایران با قابلیت‌ها و صلاحیت‌های عمیق علمی و حرفه‌ای ایشان در ترجمه اثر ممتازی که با عنوان «مبارزه ایران برای استقلال اقتصادی: اصلاحات و ضداصلاحات در دوران پس از انقلاب» قبلاً با همکاری سرکار خانم دکتر مهسا کریمی به همت انتشارات نهادگرا به توسعه‌خواهان ایرانی تقدیم شد، آشنا هستند. وقتی که شما به عنوان یک پژوهشگر به متن روان و قابل فهم و پاورقی‌های هوشمندانه و عالمانه این

کتاب نگاه می‌اندازید، متوجه می‌شوید که جامعهٔ ایرانی با یک پژوهشگر بسیار ارجمند و با کیفیت روبه‌روست که انشالله با تداوم این راه، نوید تولد یک بانوی توسعه‌خواه و به غایت با کیفیت را به ایرانیان می‌دهد. اینجانب طی بالغ بر ده سالی که توفیق آشنایی با ایشان را داشته‌ام گواهی می‌دهم که مراتب تعهد عملی و اخلاقی ایشان به انسانیت و مدنیت و رعایت حقوق دیگران و تقدم بخشیدن به مصالح ملی در مقایسه با منافع شخصی، ایشان را یک چهرهٔ ممتاز در میان دانش‌آموختگان سال‌های اخیر دانشگاه علامه طباطبائی در دورهٔ دکتری کرده است، برای ایشان هم سلامتی و مزید توفیقات آرزو می‌کنم و امیدوارم با استقبالی که از این کتاب ارزشمند می‌شود، به گونه‌ای از همه این عزیزان قدردانی بایسته هم صورت بگیرد.

فرشاد مؤمنی

بهار ۱۴۰۱